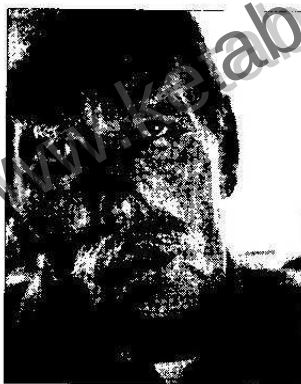


در سطر روبه خانه مه آغاز می شود

[گزیده‌ای از شعرهای خهریت کاونا]

گزینش، معرفی و ترجمه: امیرحسین افراسیابی



انتشارات سوزمین اهورایی
WWW.AHOORAPRESS.COM

سرشناسه	کلانزار، خربیت، ۱۹۲۳-۲۰۱۴م
عنوان و نام پدیدآور	Kouwenaar, Gerrit ۲۰۱۴-۱۹۱۲
منشخصات نشر	تهران: سرزمین آهورا بی، ۱۳۹۷
منشخصات ظاهری	۱۳۸۸ ص: ۵/۲۱۰-۱۴/۵/۲۱۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۸۸۲-۲۳-۶
وضعیت فهرست نویسی	فهرست
موضوع	شعر هلندی -- قرن ۲۰م
موضوع	Dutch poetry -- 20th century
موضوع	شعر هلندی -- قرن ۲۰م -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	Dutch poetry -- 20th century -- Translations into Persian
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از هلندی
موضوع	Persian poetry -- 20th century -- Translations from Dutch
شماره افزوده	افراسیابی، امیرحسین، ۱۳۱۳، مترجم
رده بندی کنگره	۱۲۹۷۹ الف / ۲۷/PT5۸۸۱
رده بندی دیویی	۳۱۱۴۴/۸۲۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۱۷۷۱۸

www.ketab.ir

Nederlands
letterenfonds
dutch foundation
for literature

«این کتاب با کمک مالی بنیاد ادبیات هلند منتشر شده است»

در سطر روبه خانه مه آغاز می شود		 اخه ریت کاونز یوگروان: امیرحسین افراسیابی	
هرگونه برداشت از تصاویر و مطالب این کتاب منوط به اجازه ی کتبی از ناشر است.	 انتشارات سرزمین آهورا	تهران ۵۰۰ جلد	شعر جهان
مدیر هنری و طراح گرافیک بهار ۱۳۹۸ مجید ضرغامی	چاپ و صحافی خانه ی چاپ ایران	قیمت: ۲۳۰۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۸۲-۲۳-۶	خدمات فنی کانون تبلیغاتی آهورا
اول ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۸۲-۲۳-۶	شابک: ۲۲۸۸۲-۰۱۱	WWW.AHOORAPRESS.COM دفتر مرکزی: ۲۲۸۶۶۸۵۹	انتشارات سرزمین آهورایی

۹..... اشاره

تکه‌ای از نوشته‌ی بنیاد تولید و ترجمه‌ی ادبیات هلند

۱۳..... درباره‌ی شعر کاوناار:

۱۵..... نقدی عیجویانه از شعر کاوناار

۱۸..... ماکسیمال‌ها

۲۰..... کتابخانه‌ی سلطنتی هلند در باره‌ی خه ریت کاوناار

۲۰..... شعر خه ریت کاوناار ۱۹۴۱-۱۹۷۴

۳۲..... شعر خه ریت کاوناار، ۱۹۷۵-۲۰۱۴

از: شعرهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸

۴۷..... روز روشنی است

۴۹..... سرود سوم

۵۲..... قفس خالی در آرتیس

۵۳..... هوا به ندرت

۵۴..... منسوخ

۵۵..... من هرگز

۵۶..... چشم انداز بی نقص

۵۷..... دیدار

۵۸..... زبان

۵۹..... گل‌ها

۶۰..... چون چیز

۶۱..... میرانی پایداری می کند

۶۲..... تماش همین است

۶۳..... همچنان که بر سر میزی

- ماجرای ۶۴
- بامداد ۶۵
- شاهکار: ماه سرخ روشن، ماه تمام ۶۶
- ورود ۶۷
- زمان ها ۶۸
- ناخواندنی ۶۹
- چگونه می توان وقت را کشت ۷۰
- باز هم این ۷۱
- لطیفه ای که مجاز است ۷۲
- پس شبی است آرام ۷۳

- از: بونی از پرهای سوخته ۷۵
- تو نیستی ۷۷
- نه دور از راه ۷۸
- بویی از پرهای سوخته ۷۹
- آخرین روزهای تابستان ۸۰
- سه بانوی جوان بازگشته اند ۸۱
- بدرود ۸۲

- از: زمان گشوده است ۸۳
- نگاه کن وزیده است ۸۵
- دوستان چگونه در آن تابستان ۸۶
- واژه مرده است ۸۷
- ۱۰ ماه مه ۱۹۹۴ ۸۸
- تابستان امسال ۸۹
- همیشه انگار ۹۰
- خاکستری است ۹۱
- باید ۹۲

۹۳.....	از: اتاق سراسر سفید
۹۴.....	روز پایانی
۹۵.....	همچنان که سنجاقک
۹۶.....	دو پائیز - ۲
۹۷.....	زمانی که هنوز جوان بودیم
۹۸.....	اتاق سراسر سفید
۹۹.....	در باغ میوه

۱۰۱.....	از: تملک ویرانه
۱۰۳.....	کلید
۱۰۴.....	طبیعت بی جان

۱۰۵.....	دو تحلیل از شعر «باید»
۱۰۶.....	باید
۱۰۷.....	تحلیل نخست
۱۱۲.....	تحلیل دوم

۱۲۱.....	تحلیلی از شعر «اتاق سراسر سفید»
۱۲۲.....	انگار چاپ شده باشد
۱۲۳.....	شعر انسان مرده: شعر مدرن و مرگ
	بازگو کردن آن کمال یافته: تفسیری پاستورال از
۱۲۶.....	«اتاق سراسر سفید»
۱۲۷.....	اتاق سراسر سفید
۱۳۲.....	انگار چاپ شده باشد: فضای سراسر تهی ادبیات بلانشو
۱۳۷.....	تفسیری نامناسب: بازخوانی «اتاق سراسر سفید»

اشاره

خریت کاونا^۱ بی شک یکی از بزرگترین شاعران هلندی این قرن است. این نه تنها به خاطر شعرهای قابل توجه بسیاری است که سروده، مجموعه‌های مطرح متعددی که منتشر کرده و جایزه‌های مهمی که به دست آورده است؛ بلکه به حساب نفوذ و تاثیر انکار ناپذیر اوست در شعر امروز هلندی و بر دیگر شاعران هلند. او در سال ۱۹۲۳ در آمستردام به دنیا آمد. در هفده سالگی مدرسه را به قصد شاعر شدن ترک گفت و در تحقق این جاه طلبی کاملن موفق شد. کاونا در جوانی مارکسیست بود. در سال ۱۹۴۳ به خاطر همکاری با نشریه‌های غیر قانونی به زندان افتاد. پس از آزادی با نام مستعار به این همکاری ادامه داد. او در سالهای ۴۰ نقش مهمی در جنبش جهانی هنرمندان معروف به کبرا داشته است و یکی از نویسندگان جوانی است که انقلاب پر سر و صدایی را در اوایل سال‌های پنجاه در شعر هلند آغاز کردند. کاونا به جز شعر، رمان و داستان کوتاه نوشته، نمایشنامه‌های متعددی از برشت، گوته، شیلر و دیگران ترجمه

کرده و سر دبیر نشریه های ادبی معتبر بوده است. اما شعر او که در بیش از ۱۲ مجموعه و علاوه بر آن در گلچین های بسیاری منتشر شده شهرت او را به عنوان بر جسته ترین شاعر معاصر هلند تضمین کرده است.

شعر کاونا ر دقت بسیاری از خواننده و شنونده اش طلب می کند. در شعرهای اولیه ی او رد پای از سوررئالیسم ، دادائیسم و اکسپرسیونیسم فرانسه دیده می شود. اما پس از آن و در طی فعالیت ها یش با گروه کبرا و شاعران سال های پنجاه به شاعر « تجربی » شهرت یافته است. بعضی از شعرهایش، بی آن که به حد روایت تنزل کرده باشند، در واقع هریک باز سازی یک تجربه است؛ از این جمله اند: « زمان »، « آخرین روزهای تابستان » و « نوئی از پرهای سوخته ». صحنه ی هر سه شعر خانه ی ییلاقی کاونا در فرانسه است. زمان دو شعر اول آخر تابستان و لحظه ی ترک خانه تا سال بعد و شعر سوم اول تابستان و لحظه ی بازگشتن و گشایش « خانه ی زمستان زده » است.

هیچ نوع ایده آلیسم فلسفی، مذهبی یا اسطوره ای در شعر کاونا ر راه ندارد و به همین دلیل شعرش به شعر « زمینی » نیز معروف شده است.

شعر کاونا ر را نوعی کشتن نیز نامیده اند. او در شعرهایش تلاش می کند تا خصوصیت دلاتگر واژه را از میان بردارد. در یکی از شعرهایش گفته است: « گلوئی واژه را می بُرم » (۱۹۶۵). از میان برداشتن خصوصیت دلاتگر واژه ها، کوششی است برای راحت شدن از شر واقعیتی که همین واژه های ارجاع دهنده، در

درون خود، به آن شکل داده اند. این به شعر امکان می‌دهد تا به خود باز گردد، چیزی شود میان چیزها، بشود خود واقعیت. بدین گونه، شعر دیگر به شاعر تعلق ندارد تا بتواند آن را چون وسیله‌ای در خدمت اندیشه‌ها و احساساتش بکار گیرد. (خود می‌گوید: «این / دیگر مایملک تو نیست، استاد»). شعر، جای شاعر و منبع الهامش را می‌گیرد و آن‌ها پشت شعر ناپدید می‌شوند. حتا زمان با گذر مدامش، که تنها واقعیت زندگی روزمره‌ی ما است، در شعر متوقف می‌شود. این از شعر، ابدیتی وابسته به زمان و مکان می‌سازد.

پس نوشتن شعر، برای کاونا، عملی به نهایت متناقض است: کشتن (رساندن هرچیز به توقف) به منظور گریز از مرگ (توقف کامل)؛ تسویه حسابی با ناپایداری خود، به منظور دست یافتن به ابدیتی که پناهی برای گریز از این ناپایداری است. چنان که کاونا، خود، آن را توضیح می‌دهد: «حلول "دائم" و "موقت" در یکدیگر»، «آنچه بر لبه‌ی سقوط استوار است». نتیجه‌ی اینهمه، شعری است که بیش از هرچیز با امکان‌ها و ناممکن‌های خود شعر سر و کار دارد.

در شعرهای اولیه‌ی کاونا، مرگ مفهومی شاعرانه است، اما در مجموعه‌هائی که پس از گردآوری و انتشار کل اشعارش تا سال ۱۹۸۲ منتشر کرده است، تغییری تدریجی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که واقعیت کشته شده و ابدی شعر بیشتر و بیشتر شباهت‌هائی را با مرگ بیولوژیکی خود او نشان می‌دهد. حالا کاونا می‌نویسد: «واژه مرده است، باید نوشته شود». نوشتن به عنوان کردار، به عنوان کنش، تنها چیزی است که می‌تواند در برابر توقف ناگهانی و تهدید آمیز و ابدیت

واژه‌ای که نوشته شده و برای همیشه در تنگنای حروفش
گرفتار آمده است، تسلی بخش باشد.
به رغم سنگینی این درونمایه، لحن شعر کاونار، در جمع، هنوز
شادی بخش و مبارز است.